



## از روایت معیوب تا روایت مطلوب

### نقد و بررسی روایت‌گری در یادمان شهدای عملیات والفجر ۸

تهیه و تنظیم: گروهی از کارشناسان  
مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

#### مقدمه

است. از این رو روایتی که در این منطقه ارائه می‌شود، باید برانگیزنده حس غرور ملی و مقوم خودباوری باشد. همچنین این یادمان و رخدادهای متعدد و شگرفی که در آن اتفاق افتاده است محلی است برای تبیین شعار "ما می‌توانیم". با وجود این، بسیاری از روایت‌هایی که در این یادمان صورت می‌گیرد، در بردارنده ویژگی‌های مورد اشاره نیستند. تعداد زیادی از افرادی که به عنوان راوی در این محل حاضر می‌شوند، به جای تبیین صحیح آنچه در جریان عملیات بزرگ و حماسی والفجر ۸ رخ داده است، خاطرات و مطالبی

یادمان شهدای والفجر ۸ (اروند) که در محل اجرای عملیات بزرگ والفجر ۸ و به‌طور مشخص در منطقه تحت مأموریت لشکر ۲۵ کربلا در مقابل شهر فاو واقع شده است، از جمله یادمان‌هایی است که کاروان‌های راهیان نور و زائران مناطق عملیاتی معمولاً از آن بازدید می‌کنند. به اذعان کارشناسان نظامی، عملیاتی که در این منطقه اجرا شده یکی از موفق‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین عملیات‌های دوران دفاع مقدس بوده که دستاوردهای بزرگی داشته





روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ در اروندکنار، اسفند ۱۳۹۴

جنوب و شمال و عدم‌الفتح‌های متعددی که پس از عملیات بیت‌المقدس به وجود آمده است، فرماندهان نظامی ایران باید خطرپذیرتر تصمیم‌گیری کرده و با استفاده از ابتکارات در جایی عملیات می‌کردند که احتمال غافلگیری دشمن و در نتیجه موفقیت ایران بالا باشد.

#### ۲.۱. تمهیدات و تدابیر طولانی و پیچیده

با توجه به اینکه این عملیات از زمان تصمیم‌گیری برای اجرا یعنی حدود خردادماه ۱۳۶۴ تا زمان اجرای آن (۲۰ بهمن ۱۳۶۴) مراحل طولانی را پشت سر گذاشته و در این زمان طراحی‌ها، شناسایی‌ها، آموزش‌ها و... به صورت دقیق، گسترده و فشرده انجام شده، ضروری است این تمهیدات به نحو مطلوبی بیان شود. بیان این مطالب عقلانیت جنگ و به کارگیری تدبیر را در عملیات‌های دوران دفاع مقدس و به طور مشخص عملیات والفجر ۸ نشان خواهد داد. ضمن اینکه گوشه‌ای از زحمات طاقت‌فرسای فرماندهان

از خاک کشور عراق را تصرف کند؟ آیا ایران برخلاف تمام مواضع و سیاست‌هایش به دنبال توسعه‌طلبی و کشورگشایی بوده است؟ در خصوص شرایط سیاسی منجر به اجرای این عملیات باید تبیین شود که دولت عراق با تجاوز به سرزمین‌های ایران و ارتکاب جرائم و جنایات دهشتناک و تحمیل خسارات و لطمات فراوان جانی و مالی هنوز حاضر نبود شرایط ایران را برای صلح بپذیرد. از این رو، تصمیم‌گیران نظامی و سیاسی ایران درصدد برمی‌آیند که با تصرف یک نقطه مهم و استراتژیک از سرزمین‌های دشمن، وی را برای پذیرش شرایط به حق خود تحت فشار قرار دهند و به اصطلاح در مذاکرات صلح قدرت چانه‌زنی به دست آورند. درباره زمینه‌های نظامی این عملیات نیز با توجه به اینکه اقدام به اجرای چنین عملیاتی دست‌یازیدن به یک خطر (ریسک) محسوب می‌شود، باید به این نکته اساسی اشاره کرد که به دلیل بسته شدن راهکارهای عملیات در مناطق مختلف در



## ۷.۱. نبرد در آن سوی اروند

- سنگرسازان بی سنگر - را برای مخاطب تشریح کند، مجالی است برای تبیین شعار "ما می توانیم".

عبور غواصان از اروند - که خود حماسه‌ای بی بدیل است - سرآغاز نبرد طولانی والفجر ۸ است و راوی باید شرایط و چگونگی نبرد در آن سوی اروند و در خاک عراق را با وجود همه کمبودها و سختی‌های آن تشریح کند. مخاطب باید در جریان گوشه‌ای از نبردهای سهمگین رزمندگان در غرب اروند که شامل شکستن خط، نبرد شهری، نبرد در نخلستان، عبور از باتلاق و... می‌شود قرار گیرد. در این بخش مباحث مهم و حماسی نظیر انهدام لشکر گارد ریاست جمهوری عراق، نبرد در جاده فاو - ام‌القصر، بمباران شیمیایی عراق و... می‌تواند مورد اشاره قرار گیرد. هریک از موارد ذکر شده - البته به شرط استناد - می‌تواند دست‌مایه مناسبی برای روایتی حماسی قرار گیرد.

## ۳. عملیات کربلای ۳

با توجه به اینکه برای عملیات کربلای ۳ یادمانی اختصاص نیافته و نظر به اینکه این عملیات یک عملیات دریایی است، یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ بهترین مکانی است که راوی می‌تواند به این عملیات اشاره کند. به‌ویژه

ذکر حماسه‌هایی که در این عملیات به‌عنوان اولین عملیات دریایی سپاه خلق شده، به‌طور قطع برای زائران شنیدنی است.

فروکاستن یک عملیات بزرگ و ملی به یک یگان یا یک نیرو به قیمت نادیده گرفتن نقش دیگر یگان‌ها و نیروها اجحاف در روایت است. بعضاً راویان در پرداختن به شرح اقدامات یگان‌هایی که قرابت‌های محلی و یا صنفی با آنها دارند اهتمام می‌ورزند و در این میان نقش دیگران را نادیده می‌انگارند.

### ب) نقد و ارزیابی برخی روایت‌ها

#### ۱. روایت ناقص

برخی راویان از محورهای اشاره شده در بالا به چند محور اساسی توجه نکرده‌اند. مثلاً

## ۸.۱. نقش یگان‌های هوایی، توپخانه و...

بی‌شک پشتیبانی‌های نیروی هوایی، هوانیروز و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و نبردها و حماسه‌آفرینی‌های نیروهای پدافندی و پشتیبانی و... از موارد مهمی است که در موفقیت عملیات والفجر ۸ نقشی بسزا ایفا کرده است، بنابراین باید به این اقدامات نیز به نحو شایسته اشاره شود.

## ۲. پل بعثت

طراحی و احداث پل بعثت که یکی از شاهکارهای فنی مهندسی دوران دفاع مقدس به‌شمار می‌رود، از مباحث مهمی است که باید در یادمان شهدای والفجر ۸ بدان پرداخته شود. طراحی و اجرای این پروژه عظیم که به‌نوبه خود از ابتکارات شگرف دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی است، ضمن اینکه به راوی فرصت می‌دهد گوشه‌ای از زحمات طاقت‌فرسای نیروهای جهاد و مهندسی سپاه

آقای یکی از راویان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) که در جمع دانشجویان دانشگاه‌های کهگیلویه و بویراحمد روایت می‌کرد، روایتی ناقص و سطحی ارائه کرد؛ به‌نحوی که مخاطب نمی‌توانست از طریق این روایت ذهنیتی صحیح از عملیات والفجر ۸ با آن همه حماسه و شکوه و ابتکار به دست آورد. (ع.ک، اسفند ۱۳۹۴) یکی از راویان لشکر ۳۱ عاشورا نیز که در جمع دانشجویان دانشگاه‌های آذربایجان غربی روایت می‌کرد، این عملیات غرور‌آفرین را تا سرحد ذکر چند خاطره تنزل می‌دهد و به‌جای اینکه از تدابیر، خلاقیت‌ها، حماسه‌ها





روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ در اروندکنار، اسفند ۱۳۹۴

### ۳. تحریف و دروغ

به ام‌القصر نرسیدند. مهم‌تر اینکه چنین پیغامی به امام خمینی ارسال نشده است و ایشان هرگز چنین دستوری نداده‌اند. راوی دیگری در جمع کاروان دانشجویان دانشگاه شاهرود به نقل از یکی از نیروهای شناسایی می‌گوید: «۵۰۰ بار برای شناسایی از اروند عبور کرده است.» (ع.م، اسفند ۱۳۹۳) این ادعا در حالی مطرح می‌شود که با یک محاسبه ساده می‌توان به صحیح نبودن آن پی برد. چه، اگر فرض شود که یک نیروی شناسایی هر روز یک بار - که البته فرضی غیرمحمتمل است - از اروند عبور کرده است و نیز این عبور از ابتدای طرح ایده عبور از اروند یعنی خرداد ۱۳۶۴ آغاز شده باشد، باز هم تعداد دفعات ذکر شده (۵۰۰ بار) غیرواقعی خواهد بود.

یکی از راویان لشکر ۱۹ فجر در جمع کاروان دادگستری استان فارس ایده عبور از اروند را این‌گونه تشریح می‌کند: «دوتا از فرماندهان آمدند طرح دادند؛ یکی اش فرمانده لشکر ۱۹ فجر حاجی نبی رودکی بچه فارس بود، یکی

تحریف و دروغ که یکی از آفت‌های هر پدیده تاریخی است، در روایت‌هایی که از دوران دفاع مقدس صورت می‌گیرد نیز راه یافته است. این رخداد آسیب بسیار مهمی است که اگر تداوم و گسترش یابد، خطری جدی برای تاریخ جنگ تحمیلی است. به برخی از این تحریفات اشاره خواهد شد:

یکی دیگر از راویان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در جمع بسیج محلات می‌گوید: «در عملیات والفجر ۸» بچه‌ها تا ام‌القصر هم رفتن‌ها. پیغام دادند به امام، ما می‌خواهیم این بندر را نابود کنیم. امام فرمود دست نگه دارید. حالا جریان چیه، معلوم نیست حالا. امام چه دلیلی داشته؟ شاید روزی این رمز باز بشود؛ شاید مربوط به مولا باشد. اراده آنها باید باشد تا ما جایی کاری کنیم.» (م.ط.ع، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵) در صورتی که این ادعا اساساً صحت ندارد و هرگز چنین اتفاقی رخ نداده است و رزمندگان هیچ‌گاه

## ۴. قلب مفاهیم معنوی

در یادمان عملیات والفجر ۸، عملیاتی که مشحون از توانمندی‌ها، تدابیر و خلاقیت‌های فرماندهان و رزمندگان و نیروهای فنی و مهندسی است، باید روایت به‌نحوی صورت گیرد که غرور و افتخار ملی را در وجود مخاطبان به وجود آورد. این عملیات با توجه به ظرفیت‌هایی مانند طراحی یک عملیات پیچیده، عبور از یک رودخانه خروشان و سرکش، و اقدامات مهندسی بی‌بدیل نظیر احداث پل بعثت، می‌تواند تجلی‌گاه شعار "ما می‌توانیم" باشد. اما این درحالی است که برخی از راویان - که ظاهراً تفاوتی میان یادمان‌ها قائل نیستند - روایتی عرضه می‌کنند که سراسر مظلومیت اغراق‌آمیز، استیصال و درماندگی است. در این میان، تلاششان که برای پیوند زدن برخی موفقیت‌ها با باورهای مذهبی و معنویات ضمن اینکه تحریفی بزرگ را به روایت تحمیل می‌کند، عقلانیت و تدبیر را زیر سؤال می‌برد. روایت یکی از راویان لشکر ۳۱ عاشورا در جمع کاروان دانشگاه آذربایجان غربی نمونه‌ای از چنین روایت‌هایی است. وی در جای‌جای روایت خود در یادمان شهدای والفجر ۸ از مظلومیت بیش از حد رزمندگان روایت و مظلومیت را به حدی اغراق‌آمیز برجسته می‌کند که بیش از آنکه مقصود گوینده یعنی جنگ نابرابر را تداعی کند، ناتوانی و استیصال رزمندگان را القا می‌کند. به عنوان نمونه وی از آن همه شکوه و افتخار که در این عملیات به منصفه ظهور رسیده است، اروند را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «ای شاهد سرنگه داشتن زیر آب آن بسیجی مجروح». یا در جای دیگر می‌گوید: «... ما رسیدیم [غرب اروند]، کنار هم خوابیدیم جلو دژ. دو تا عراقی که [داشتند] با هم صحبت می‌کردند [و] روی دژ قدم می‌زدند. [شهید اللهیاری] می‌گفت یک لحظه نمی‌دانم چی شد، یکی از

دیگر هم آقای مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا که همین‌جا عمل کردند، گفتند بهترین نقطه برای رسیدن به شهر بصره این است که ما از آب بگذریم. توی یک جلسه‌ای آمدند پیشنهاد دادند؛ محسن رضایی هم بود. فرماندهان آمدند دعوایشان کردند که مگر می‌شود از این آب بگذرید؟ بروید، دیوانگی است، اصلاً نمی‌شود. هرچی پیشنهاد دادند، هیچی. بعد محسن رضایی خودش می‌گفت، می‌گفت من توی جلسه‌های بعدی برایم شده بود یک جرعه‌ای که

می‌شود برویم کار بکنیم. آمدند به بچه‌های فارس گفتند شمایی که پیشنهاد دادید، این گوی و این میدان؛ اگر راست می‌گویید خودتان شروع بکنید. بچه‌های شناسایی فارس، همشهری‌های شما، اولین کسانی بودند که از این آب گذشتند.» (ا.ا، ۱۳۹۴/۱۲/۱۵) در صورتی که اولاً براساس اسناد موجود، طرح عبور از اروند را محسن رضایی فرمانده کل سپاه، مطرح کرده است؛ ثانیاً طرح چنین بحث‌هایی در سطوح عالی فرماندهی یعنی رده قرارگاه صورت می‌گرفت نه در سطح فرماندهان

لشکر. گفتنی است پس از ارائه طرح عبور از اروند، ابتدا اکثر فرماندهان با آن مخالفت کردند، اما فرماندهان لشکرهای ۲۵ کربلا (مرتضی قربانی) و ۱۹ فجر (نبی رودکی) از معدود موافقان اجرای این عملیات بودند.

یکی از راویان لشکر ۱۹ فجر: فرماندهی لشکر ۱۹ فجر رودکی و قربانی فرماندهی لشکر ۲۵ کربلا آمدند توی یک جلسه‌ای با حضور محسن رضایی پیشنهاد دادند، که ما از آب [اروند] بگذریم، فرماندهان آمدند دعوایشان کردند، دیوانگی است اصلاً نمی‌شود... بعد محسن رضایی می‌گفت، من توی جلسه‌های بعدی برایم شده بود یک جرعه‌ای که می‌شود برویم کار بکنیم.



فرضاً بپذیریم که انسان در دم جان نسپارد، قطعاً امکان این گفت‌وگوی نسبتاً طولانی که راوی بین فرد تیرخورده با هم‌مرزش نقل کرد، نخواهد بود. ۲. راوی ابتدا گفته بود که عراقی‌ها متوجه حضور غواص‌ها شده بودند و به همین دلیل شروع به تیراندازی کردند. بنابراین برملا شدن چه چیزی مایه نگرانی آن فرد شده بود که از هم‌مرزش می‌خواهد چنین کاری را انجام دهد. ۳. راوی خاطره را از زبان سوم شخص یعنی شهید اللهیاری نقل می‌کند

یکی از روایان لشکر ۳۱ عاشورا  
اروند را این‌گونه مود خطاب  
قرار می‌دهد: «ای شاهد  
سرنگه‌داشتن زیر آب آن  
بسیجی مجروح» ادامه می‌دهد:  
یکی از عراقی‌ها یک بسیجی  
شانزده، هفده ساله با گلوله زدند  
[توی] سرش، ... گفت به جان  
فاطمه ... سر من را ببر زیر آب...  
می ترسم صدایم بلند بشود  
عملیات لو برود. می گفت سرش  
را بردم زیر آب نگه داشتیم.

و آن‌گونه که در خاطره ذکر می‌کند، بجز نامبرده (شهید اللهیاری) همه افراد به‌نوبت هدف تیر قرار می‌گیرند؛ حال فرد ثالث کیست که شخص تیرخورده از وی می‌خواهد آن کار را انجام دهد؟ ضمن اینکه در پایان خاطره می‌گوید: «سرش را بردم زیر آب نگه داشتیم...»؛ یعنی شهید اللهیاری این کار را انجام داده است. ثانیاً حتی اگر بپذیریم که چنین اتفاقی واقعاً رخ داده است - که البته پذیرش آن با عقل سلیم ناسازگار است - آیا نادیده گرفتن آن همه جلوه‌های

شکوه و افتخار در عملیات والفجر ۸ و تکیه بر چنین خاطرات غیرموثق و غیرمستندی، اجحاف در روایت این عملیات نیست؟ (ح، ا، ۱۶/۱۲/۱۳۹۴)

یکی از روایان لشکر ۴۱ ثارالله<sup>(ع)</sup> در جمع کاروان کرمان نیز عبور غواصان لشکر ۴۱ ثارالله<sup>(ع)</sup>

عراقی‌ها چراغ‌قوه را انداخت [اما را دید و گفت]، غواص. یک‌خرده با عقل بشر سازگار نیست، ولی اینجا میدان عشق‌بازی بود دیگر. آقاجان، ۱۷ نفر از بچه‌ها را دانه‌دانه، یکی چراغ می‌اندازد و یکی از کله‌اش می‌زند. [حالا تصور کنید وقتی] آن نفر اول را زد، نفر دوم می‌داند [بعد از او] نوبت آن است. آخر بنامز، چه ایمانی داشتید شما؟ چی بودید شما؟ چه جور مادرهایتان تربیت کرده بود شما را؟ می‌دید بغل‌دستی‌ات با تیر کله‌اش را زدند، نفر بعدی شما هستید، می‌توانستید یک رگبار بزنید، [فقط] دو نفر بودند بالای خاکریز، اما نزدید. چرا؟ چون دستور بود نزنید. آنها به تکلیف عمل می‌کردند؛ نه برای جان خودشان، نه برای دل خودشان. ۱۷ نفر را دانه‌دانه کنار هم زده بودند. شهید اللهیاری می‌گوید که بغل‌دستی من یک بسیجی ۱۶، ۱۷ ساله بود. با گلوله زدند [توی] سرش، می‌گفت [من] رفتم زیر آب از من رد شدند. این [بسیجی ۱۶، ۱۷ ساله] را زدند. برج یازده [بهمن‌ماه] بود، آب یخ؛ جای گلوله [سوزش شدیدی ایجاد کرده بود]، می‌گفت یک‌خرده تحمل کرد. دیگر یواش‌یواش آخ و اوخ بلند می‌شود. به رفیق بغل‌دستی‌اش گفت که داداش یک خواهشی بکنم قبول می‌کنید؟ گفت چرا قبول نکنم؟ گفت نه قسم بخور، بگو جان فاطمه زهرا [به این خواہشت نه] نمی‌گویم. می‌گفت قسم خورد، گفت به جان فاطمه، هرچی بگویی من به خواهش تو نه نمی‌گویم. گفت قسم خوردی، سر قسمت هستی؟ گفت آره. گفت سر من را ببر زیر آب نگه دار؛ آب می‌رود جای زخمم، می‌ترسم صدایم بلند بشود و عملیات لو برود. می‌گفت سرش را بردم زیر آب نگه داشتیم. ...» (ح، ا، ۱۶/۱۲/۱۳۹۴) اولاً با دقت در عبارات و لحن این روایت، باورپذیری این خاطره برای مخاطب دور از انتظار است؛ زیرا ۱. بر اثر اصابت گلوله به سر انسان اگر

است یک جا جبران کند. به خدا، شب عملیات والفجر ۸ این آب جبران کرد. اولین تلاطم موج اروند ستون غواص را از هم پاشاند، طناب از هم باز شد. بچه‌ها می‌گویند فین، آن کفش‌های غواصی را با سرعت توی آب فشار می‌دادیم، با قدرت توی آب فشار می‌دادیم برویم جلو، تلاطم اروند ما را می‌آورد عقب. یک مرتبه آنجا بود که ما بی‌اختیار، نه ذکر، فریاد زدیم یا زهرا، فریاد زدیم یا زهرا. ۵۰ دقیقه جنگ بچه‌های غواص بود با امواج خروشان اروند. بعد از ۵۰ دقیقه دیدیم سبحان‌الله پایمان خورد به زمین سفت.» (ی.م، ۱۳۹۴/۱۲/۱۵) گذشته از تعبیر غیرعقلی که در این روایت به کار رفته است، تحقیقات نگارندگان که حاصل گفت‌وگو با راوی همراه سردار سلیمانی در عملیات والفجر ۸ است، نشان می‌دهد که اساساً چنین اتفاقی در این عملیات نیفتاده است.

همچنین راوی دیگری در جمع کاروان دادگستری فارس، روایتی از پیداشدن پیکر یک شهید دارد که عقلانی به نظر نمی‌رسد. وی می‌گوید: «حاجی [جعفر] اسدی فرمانده تیپ [۳۳] المهدی (عج) گفت یک روز آمدیم کنار همین آب نشستیم. از خانواده شهدا آورده بودیم. پدر شهید سیدعلی حسینی، ۱۵ سال بچه‌اش گمنام بود، مفقود بود، آمد کنار این آب. بعد می‌گفت دیدم این آب را برمی‌دارد، هی می‌ریزد، هی برمی‌دارد، هی می‌ریزد، هی گریه می‌کند. گفتم بروم نزدیکش. آمدم نزدیکش، دیدم دارد می‌گوید ای آب، تو مهریه مادرم فاطمه زهرایی، ای آب تو آب فراتی، ای آب تو به حسین خیانت

از اروند را این چنین روایت می‌کند: «حسین یوسف‌اللہی، حاج‌احمد امینی توی همین ساحل اروند، در کنار نهر علی‌شیر قدم می‌زدند، گفتند بروید به حاج‌قاسم بگویید، هر شب که بشود از اروند عبور کنی، امشب نمی‌شود. ... رفتند پیش حاجی، آنجا حاجی تکنولوژی عبور از اروند داد به همه، ... حاج‌قاسم سلیمانی آن شب به غواص‌ها گفت بروید آب را به پهلوی شکسته حضرت زهرا<sup>(س)</sup> قسم بدهید. آقا، آب قسم حالی‌اش است‌ها؛ به خدا قسم سرش می‌شود. همه موجودات می‌گویند ما سمیعیم و بصیریم و هوشیم\*، با شما نامحرمان ما خاموشیم. ما سرمان می‌شود قسم. ... ما مطمئن بودیم از اروند عبور می‌کنیم. چرا؟ برگردیم به عصر روز عاشورا، آن لحظه‌ای که قمر منیر بنی‌هاشم<sup>(ع)</sup> محاصره چند هزار تیرانداز فرات را شکست، وارد آب شد. برای تشنگی هفت عامل گفتند، ابوالفضل هر هفت عامل تشنگی را داشت؛ جنگیده، زخمی است، تجهیزات نظامی همراهش است، چند ساعت است آب نخورده، استرس دارد، تشنه است، این قدر این لب‌ها خشک شده، توان حرف‌زدن ندارد. رفت مشکش را آب کرد، دست را برد زیر آب، آورد مقابل صورت، فذکر العطش الحسین<sup>(ع)</sup>. گفت ابوالفضل، این مردانگی است تو آب بنوشی، ولی درون خیمه‌ها بچه‌های امام حسین، پیراهن‌ها را بالا بزنند و این شکم‌ها را بگذارند به جای نمناکی مشک‌ها. آب را ریخت روی آب و این آب تا ابد در حسرت لب‌های ابوالفضل ماند. این آب دنبال این

\*. راوی به اشتباه "خوشیم" گفته است.



روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ در اروندکنار، اسفند ۱۳۹۴

#### ۵. ضعف و حماقت دشمن

در برخی از روایت‌ها راوی بدون آنکه به پیامد و نتیجه بیان خود توجه داشته باشد، دشمن را ضعیف و احمق توصیف می‌کند. درحالی‌که براساس اسناد و مدارک موجود، افسران و تصمیم‌گیران نظامی رژیم بعثی عراق از زنده‌ترین عناصر نظامی به شمار می‌رفتند؛ ضمن اینکه در طول جنگ از مشاوره‌های بهترین مستشاران نظامی دنیا بهره می‌بردند. یکی از راویان لشکر ۲۵ کربلا در جمع طلاب حوزه عملیه حضرت فاطمه (س) می‌گوید: «عراقی‌ها وقتی به صدام گفتند فاو سقوط کرد، صدام قبول نکرد. همان‌هایی که بهش قول داده بودند فاو سقوط نمی‌کند را خواست و گفت شما گفتید فاو سقوط نمی‌کند، چه جوری فاو سقوط کرد؟ [چون] صدام دیوانه بود ... یک کارشناس زرنگی کرد [برای اینکه کشته نشود]، گفت قبله عالم، این کار کار آدمیزاد نبوده ... کار جن بوده ...» (راه، اسفند ۱۳۹۴)

کرده‌ای، ای آب تو به اهل بیت حسین خیانت کردی، تو مهریه مادرم بودی، ولی خدا گواه است اگر جنازه بچم را ظرف ۲۴ ساعت تحویلم ندهی، فردای قیامت شکایت می‌کنم باز به مادرم زهرا. گفت از این منطقه بیرون رفتیم؛ توی منطقه طلائی بودیم که بچه‌های پاسگاهی که اینجا بودند تماس گرفتند، گفتند حاجی اسدی را می‌خواهیم. چه کار دارید؟ گفتند یک جنازه آمده کنار آب، ما برداشتمان این است که این جنازه متعلق به بچه‌های بسیج است؛ اگر می‌شود یک‌جور برای شناسایی بیاید. وقتی آمدیم دیدیم جنازه سید علی حسینی است. آب معجزه می‌کند...» (ا.ا، ۱۳۹۴/۱۲/۱۵) این خاطره هم عقلانی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا پس از ۱۵ سال چگونه ممکن است یک جنازه آن هم آن قدر سالم که از روی چهره و نه با آزمایش‌های ژنتیکی و... قابل شناسایی باشد، از آب بیرون آورده شود؟

## ۶. اشتباهات تاریخی و جغرافیایی

از جمله مواردی که رعایت نکردن آن از قوت و اعتبار روایت می‌کاهد و در نتیجه تأثیرگذاری آن را کاهش می‌دهد، دادن اطلاعات اشتباه تاریخی و جغرافیایی است. اهمیت بیان صحیح اطلاعات تاریخی و جغرافیایی با توجه به پیشرفت‌های فناوری و دسترسی آسان مخاطبان به اطلاعات صحیح، بیش از پیش اهمیت خود را نشان می‌دهد. حاضران با یک جستجوی ساده

اینترنتی صحت اطلاعات را بررسی کرده، متوجه اشتباه راوی خواهند شد. در چنین وضعیتی سایر گفته‌های راوی نیز هر چند صحیح و دقیق، مورد تردید قرار می‌گیرد. از اشتباهات رایجی که میان راویان - به‌طور مشخص راویان یادمان اروند - وجود دارد، اطلاعاتی است که درباره موقعیت جغرافیایی منطقه و مختصات رودخانه اروند ارائه می‌شود. به‌عنوان نمونه یکی از راویان لشکر ۳۱ عاشورا در جمع کاروان دانشگاه آذربایجان غربی عرض اروند را بین ۵۰۰

متر تا ۳ کیلومتر عنوان می‌کند (ح.ا، اسفند ۱۳۹۴)؛ در صورتی که عرض اروند بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر است. راوی دیگری در جمع کاروان دانشگاه همدان

عمق این رودخانه را ۴۰ تا ۷۰ متر بیان می‌کند (ج.خ، ۱۳۹۴/۱۲/۲۶)؛ در حالی که رودخانه اروند در عمیق‌ترین نقطه نهایتاً ۳۰ متر عمق دارد. راوی دیگری در جمع دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان درباره وضعیت اقتصادی ایران در سال ۱۳۶۴ که عملیات والفجر ۸ اجرا شد، می‌گوید: «نفت پشتیبان جنگ ما بود. بروید مطالعه کنید، ببینید ثبت شده در سال ۶۴ نفت ما به ۶ دلار رسید...» (ح.ا، اسفند ۱۳۹۳) در صورتی که قیمت نفت در سال ۱۳۶۴، ۲۶ دلار بوده است. و اساساً در طول هشت سال جنگ عراق و ایران، قیمت نفت از ۱۳ دلار پایین‌تر نیامده است.\* همچنین راوی دیگری درباره لحظات ورود غواصان به آب مطالبی را بیان می‌کند که از نظر تاریخی صحت ندارد. وی می‌گوید: «هنوز دستور عملیات نیامده، یکپه‌ها بارانی شد، ابری شد. باد، باران، آب اروند شد وحشی ... به حدی وحشی شد که موج‌هایی ازش می‌زد بالا که قایق را پشت و رو می‌کرد ... سیستم فرماندها به هم ریخته بود. غواص‌ها همه لب‌اروند آماده ...» (ع.م، اسفند ۱۳۹۴) مطلبی که راوی بیان کرده، یک اشتباه کوچک تاریخی است. وی باریدن باران و مواج شدن رودخانه را که مربوط به دقایقی بعد از ورود غواصان به آب است، به قبل از ورود آنها به آب نسبت می‌دهد. هر چند این اشتباه ظاهراً بی‌اهمیت به نظر می‌رسد، اما همین اشتباه کوچک می‌تواند به نتیجه‌گیری‌های اشتباه بزرگ‌تری منجر شود. توضیح اینکه؛ مخاطب با شنیدن این مطلب که قبل از ورود به آب، رودخانه

\* فرهاد دژپسند و حمیدرضا رئوفی، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ اول، ۱۳۸۷، تهران: ص ۹۸.

### یکی از راویان رزمنده:

پدر شهید حسینی، پانزده سال بچه‌اش مفقود بود، آمد کنار این آب، آب را بر می‌دارد، می‌ریزد، گریه می‌کند می‌گوید، ای آب تو مهریه‌ی مادرم فاطمه زهرایی، ای آب تو آب فراتی، ای آب تو به حسین خیانت کرده‌ای ولی خدا گواه است اگر جنازه‌ی بچه‌ام را ظرف ۲۴ ساعت تحویلم ندهی، فردای قیامت شکایت می‌کنم به مادرم زهرا، گفت رفتیم از این منطقه بیرون، تماس گرفتند گفتند یک جنازه آمده کنار آب.

## ۷. تغییر وارونه جنگ مردمی

تردیدی وجود ندارد که جمهوری اسلامی ایران در جنگی نابرابر مقابل عراق قرار گرفته بود. در این جنگ دشمن در سطح گسترده‌ای مورد حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی بین‌المللی قرار داشت؛ در حالی که ایران برای تأمین ملزومات اولیه جنگ دچار مشکلات اساسی بود. در چنین وضعیتی فرماندهان و رزمندگان ایرانی در چارچوبی خارج از قواعد نظامی کلاسیک، جنگ را اداره

کرده، پیش می‌بردند. بدیهی است در چنین رویکردی به جنگ که می‌توان از آن به جنگ مردمی تعبیر کرد، برخی ابتکارات، خلاقیت‌ها و روش‌های ابداعی جایگزین تجهیزات و امکانات نظامی می‌شود. اما این رویکرد به هیچ‌وجه منافعی عقلانیت و تدبیر نیست. با وجود این، در برخی از روایت‌ها راویان برای توصیف جنگ مردمی و بیان جلوه‌هایی از آن، ضمن اینکه اغراق‌ها و

بعضاً تحریفاتی را وارد روایت می‌کنند، تعبیری وارونه از آن ارائه می‌کنند که نه تنها بیان‌کننده گوشه‌های از عظمت و شکوه حماسه‌های فراوان جنگ مردمی نیست، بلکه سبب استخفاف رزمندگان و نفی تدبیر و عقلانیت در جنگ است. همچنین یک روای روحانی در جمع کاروان دانشگاه علوم پزشکی سمنان بدون آنکه اشاره اندکی به تدابیر و تمهیدات پیچیده و دقیق

متلاطم و به گفته راوی وضعیتی ایجاد می‌شود که "قایق را پشت و رو می‌کند"، درباره تدبیر فرماندهی دچار تردید شده، این پرسش مطرح می‌شود که اگر چنین وضعیتی حادث شد، چرا فرماندهان از ادامه عملیات ممانعت نکردند؟ این در حالی است که مطالعات فراوانی برای انتخاب بهترین زمان برای عبور از اروند انجام شده بود.

از دیگر اشتباهاتی که در ارائه اطلاعات در روایت برخی راویان مشاهده می‌شود می‌توان به روایت یکی از راویان روحانی در جمع کاروان راویان سیره شهدا اشاره کرد که در روایت خود گفت: عراق تنها بندری که دارد همین است؛ بندر فاو تنها بندر عراق است. در حالی که مهم‌ترین بندر عراق بندر ام‌القصر است. وی همچنین یکی از دلایل تصرف فاو از سوی ایران را استقرار سامانه موشک‌های اگزوست در این شهر اعلام کرد؛ در صورتی که اساساً موشک اگزوست موشکی است که روی جنگنده‌های هوایی نصب می‌شود و بیشترین کاربرد آن هواپیمای است و اصلاً اگزوست زمین‌به‌زمین یا زمین‌به‌هوا وجود ندارد. یکی دیگر از اشتباهات وی، اطلاعات آماری بود که درباره عملیات‌های مربوط به آزادسازی مناطق اشغالی ایران در اوایل جنگ ارائه کرد و گفت: «عراق ۸۰ کیلومتر آمده داخل خاکمان. حدود ۲۱۹۰۰۰ شهید دادیم که توانستیم این ۸۰ کیلومتر خاکمان را بگیریم، مملکتمان را بگیریم. حساب کنید آنی که بنی‌صدر می‌گفت ما باید حدود ۲۵۰ کیلومتر خاک به عراق می‌دادیم تا بتوانیم. حساب کنید به شهدای ما چقدر اضافه می‌شد.» (ح. گودرزی، اسفند ۱۳۹۴) این در حالی است که آمار کل شهدای ایران در طول هشت سال دفاع مقدس ۲۳۲۰۰۰ نفر است.

یکی از راویان لشکر ۲۵ کربلا:  
عراقی‌ها وقتی به صدام  
گفتند فاو سقوط کرد صدام  
قبول نکرد گفت شما گفتید  
فاو سقوط نمی‌کند چه جوری  
فاو سقوط کرد. [چون] صدام  
دیوانه بود ... یک کارشناس  
زرنگی کرد [برای اینکه  
کشته نشود] گفت قبله عالم  
این کار کار آدمیزاد نبوده ...  
کار جن بوده.


از روایت معیوب تا روایت مطلوب

نقد و بررسی روایت‌گری در یادمان شهدای عملیات والفجر ۸

حالا بهش گفتیم که بیا برو زیر آب و ایستا تا اینکه بتوانیم برویم آن طرف که عملیات موفق باشد. اینها را جمع کردیم آوردیم آموزش غواصی دادیم...» (ح.ق، اسفند ۱۳۹۴)

### جمع‌بندی

به نظر می‌رسد نقد و بررسی روایت‌های راویان کاروان‌های راهیان نور و در کنار آن ارائه چارچوب‌هایی برای بهبود کیفی روایت‌ها از موضوعات اساسی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. درباره یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ که در مقاله حاضر به آن پرداخته شد، مطالعات میدانی و بررسی‌های کارشناسان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس نشان می‌دهد که بسیاری از روایت‌هایی که در این مکان انجام می‌گیرد، فاقد چارچوب، ساختار و حتی هدف مشخصی‌اند. بنابراین، در بخش نخست این نوشتار سعی شده است کلیاتی از شاخص‌های محتوایی روایت در یادمان شهدای عملیات والفجر ۸ ارائه شود تا مورد استفاده راویان این یادمان قرار گیرد. در بخش دوم نیز برخی اشتباهات، اغراق‌ها، تحریف‌ها و کاستی‌هایی که از میان روایت‌های ثبت و ضبط شده احصا شده بود ذکر شده است تا گوشه‌هایی از ضعف‌های روایت‌گری در این یادمان به تصویر درآید، به این امید که در آینده از تکرار آن جلوگیری شود.

فرماندهان برای طراحی و اجرای عملیات داشته باشد و بدون آنکه از آموزش‌ها و شناسایی‌های وسیع و طولانی که برای اجرای عملیات والفجر ۸ انجام شده است، سخنی به میان بیاورد، می‌گوید: «شما نمی‌فهمید ما چگونه رفتیم آن طرف [آروند]. ما با تجهیزات نرفتیم، ما امکانات نداشتیم. با چی رفتیم؟ ما با "یازهر" رفتیم آنجا.» (م.ص، اسفند ۱۳۹۴) همچنین یکی از راویان ارتشی در جمع کاروان شهید صیاد استان خراسان می‌گوید: «کنار جزیره بوبیان برای امیر کویت یک سنگری زدند، ایشان را آوردند داخل آن سنگر، داشت تماشا می‌کرد، نگاه کرد دید این بسیجی‌ها و بچه‌های جوان ۱۵، ۱۶ ساله همه با کفش کتانی و چفیه و اینها داخل خاک عراق، هم‌مرز کویت هستند...» (س.ش، ۱۳۹۴/۱۲/۱۹) یکی از راویان رزمنده در جمع دانشجویان دانشگاه گیلان چنین تصویری از رزمندگان ارائه می‌دهد: «نیروی بسیجی ما توی کردستان مجبور بود قاطر سوار شود. یک‌دفعه قاطر سوار را گفتند زحمت بکش بیا برو جنوب، از قاطر ریزه بشو مکانیزه، بیا تانک سوار شو. وقتی در جبهه گره [ایجاد] شد، به این بسیجی قاطر سوار تانک سوار گفتند زحمت بکش بیا بشو نیروی دریایی و آن بسیجی می‌شود نیروی دریایی. برای والفجر ۸ بچه‌های بسیجی [که] هنوز قایق موتوری سوار نشده بودند، وقتی سوار می‌شدند سرشان گیج می‌رفت؛